

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

قیوم بشیر هروی
۲۹ می ۲۰۲۱

گفتگو با دل

سوال کردم جوابم را ندادی و حذر کردی
پریشان حالی ام دیدی ندانسته گذر کردی
سوال کردم که ای جاتم چرا رنجور و غمگینی؟
تو با غم ناله ها بر پا هزاران شور و شر کردی
سوال کردم که زندانست مگر این خاک و بیرانت؟
نگفتی در جواب حرفی لباس غم به بر کردی
سوال کردم که میدانی سراسر رنج و ویرانیست؟
به حسرت سوی من دیدی و ناگه دیده تر کردی
سوال کردم که می سوزم چو مرغ بسملی دانی؟
گریستی با دل خونین ، مرا بی بال و پر کردی
سوال کردم که میدانی وطن در دام شیاد است؟
تو با صد ناله و فریاد زملک عشق سفر کردی
سوال کردم که در غربت سرا من زنده می مانم؟
بمن گفتی «بشیر» بس کن مرا خون جگر کردی

گاهی انسان قیل از انجام هر کاری چیز های در ذهنش خطور می کند ،
و ناگزیر از خودش سوالاتی می پرسد و خودش هم پاسخ می دهد.
این سروده گفتگویی است با دل که قیل از مهاجرت صورت گرفته.

قیوم بشیر هروی

ملبورن - استرالیا

بیست و دوم اپریل ۲۰۱۹

